



۲۰۱۳/۰۵/۱۸

داکتر سیدعبدالله کاظم

## «استیضاح» یا «افتضاح»؟؟

**ماهیت حقوقی و قانونی «استیضاح»:**

با آنکه استیضاح از نظر لغوی عملیه توضیح کردن و یا روشن ساختن یک موضوع را معنی میدهد، ولی وقتی به معنی حقوقی آن در قانون اساسی افغانستان نظر انداخته شود، مفهوم آن بسیار فراتر از معنی لغوی آن می‌رود. در قانون اساسی جدید استیضاح عبارت است از: ارائه توضیحات یک وزیر در برابر سؤالات مشخص اعضای ولسی جرگه در ارتباط به امور رسمی مربوطه که هرگاه این جوابها به نظر اعضای آن جرگه قناعت بخش نباشد، ولسی جرگه میتواند از وزیر موصوف با اکثریت آرای کل اعضا سلب اعتماد نماید.

با ملاحظه مواد مندرج قانون اساسی جدید افغانستان - مصوبه ۱۳۸۲ (۲۰۰۴)، نظام سیاسی کشور بر مبنای سیستم «ریاستی» استوار است یعنی رئیس جمهور در راس قوای ثلاثه قرار دارد و در عین زمان ریاست قوای اجراییه (حکومت) را نیز عهده دار میباشد. شورای ملی افغانستان از دو مجلس تشکیل شده است: یکی ولسی جرگه و دیگر مشرانو جرگه که هر دو دارای وظایف مشترک و نیز وظایف اختصاصی میباشند. به اساس حکم ماده ۶۹ قانون اساسی: «رئیس جمهور در برابر ملت و ولسی جرگه مطابق به احکام این ماده مسؤل میباشد...»، البته اتهام وارده علیه رئیس جمهور و همچنان معاونین و هریک وزرا مبنی بر ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی یا جنایت طی ماده فوق و مواد بعدی (بخصوص ماده ۷۸ و ماده ۸۹) با رعایت طرز العمل خاص توضیح شده است.

در مورد استیضاح و استجواب باید گفت که استجواب از صلاحیت هردو مجلس است، چنانکه در ماده ۹۳ قانون اساسی درباره استجواب تصریح گردیده که: «هریک از کمیسیونهای هر دو مجلس شورای ملی میتواند از هریک از وزرا در موضوعات معین سؤال نماید. شخصیکه از او سؤال بعمل آمده، میتواند جواب شفاهی یا تحریری بدهد». اما استیضاح از هر یک وزیر بر طبق ماده ۹۱ قانون اساسی یکی از صلاحیتهای اختصاصی ولسی جرگه است که مطابق به حکم ماده ۹۲ به این ترتیب صورت میگیرد: «ولسی جرگه به پیشنهاد بیست فیصد کل اعضا میتواند از هر یک از وزرا استیضاح به عمل آورد. هرگاه توضیح ارائه شده قناعت بخش نباشد، ولسی جرگه موضوع رأی عدم اعتماد را بررسی میکند. رأی عدم اعتماد از وزیر باید صریح، مستقیم و بر اساس دلائل موجه باشد. این رأی به اکثریت آرای کل اعضای ولسی جرگه صادر میگردد».

مشکل عمده در قانون اساسی آنست که در مواد مربوطه کوشش بعمل نیامده تا نحوه تطبیق استیضاح را دقیقاً تعریف و تعیین نمایند. اکنون که اوضاع وطن با دوره های قیل تفاوت بسیار دارد و شورای ملی بخصوص ولسی جرگه زیر تأثیر گروههای سیاسی، قومی، زبانی و مذهبی و نیز تحت نفوذ مستقیم و غیرمستقیم اشخاص پر قدرت و به نحوی مافیائی عمل میکند، لذا با اوج گرفتن فساد اداری و جدال بر سر قدرت (از بالا تا پایین) جناح بندیها و گروه سازیها اکنون کشور را مواجه با یک بحران عمیق سیاسی ساخته و در اثر آن نزاع و اختلاف بین قوای اجراییه و مقننه بیش از پیش جدی و علنی شده است. در این وضع بحرانی موضوع استیضاح، طوریکه در یک سال اخیر دیده میشود، به یکی از نمونه های بارز این قدرت نمائی مبدل گردیده و مسئله «استیضاح» را به «استهزاء» و در این روزها به «افتضاح» کشانیده است.

### نگاهی به رویدادهای مهم استیضاح در یک سال اخیر:

#### ۱ - استیضاح دو وزیر:

ولسی جرگه بتاريخ ۱۴ اسد سال ۱۳۹۱ ( ۵ اگست ۲۰۱۲ ) عبدالرحیم وردک وزیر دفاع ملی و بسم الله محمدی وزیر داخله را در ارتباط با حملات راکتی و تجاوز آشکار قوای پاکستانی به خاک افغانستان مورد استیضاح قرار داده و به دلیل آنکه

د پاپو شمیره: له ۱ تر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده ، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

جواب های شان قناعت اعضای ولسی جرگه را فراهم کرده نتوانست، در نتیجه رأی گیری و ریختن رأی در صندوق، هر دو وزیر نصاب آرای لازم را پوره نکردند (آقای وردک ۷۲ رأی موافق و ۱۴۶ رأی مخالف و آقای محمدی با ۹۰ رأی موافق و ۱۲۶ رأی مخالف) و بناً سلب صلاحیت و از وظیفه عزل شدند و اما رئیس جمهور نخست آقای محمدی را به حیث سرپرست آن وزارت تعیین کرد و بعداً او را به حیث کاندید وزارت دفاع به ولسی جرگه معرفی نمود. در این میان آقای وردک از قبول سرپرستی وزارت دفاع ابا ورزید و عجیب آن بود که مردم و بعضی از رسانه ها با نادیده گرفتن کارکردهای نامطلوب و با وجود شایعات فساد گسترده آقای وردک، از او ستایش کردند. آنچه در مورد قابل توجه است، همانا دادن رأی اعتماد به آقای محمدی به حیث وزیر دفاع ملی توسط همان ولسی جرگه بود که چند ی قیل در مقام وزارت داخله با انتقاد فراوان از او سلب صلاحیت کرده بود. همچنان قابل تعجب است که ولسی جرگه دو وزیر فوق الذکر را به دلیل نارسایی در وظیفه معزول کرد، اما رئیس جمهور از خدمات شان تمجید و آنها را با اعطای مدال غازی امان الله خان مفتخر ساخت که اینکار موجودیت «یک بام و دو هوا» را در دستگاه دولت افغانستان تداعی میکند.

## ۲ - استیضاح پرنجال یازده وزیر:

در ماه دسمبر ۲۰۱۲ ولسی جرگه در یک اقدام کم سابقه تصمیم گرفت یازده عضو کابینه (هریک وزرای معارف، مبارزه با مواد مخدر، تجارت و صنایع، انرژی و آب، اقتصاد، تحصیلات عالی، دفاع، داخله، شهرسازی، معادن، و اطلاعات و فرهنگ) را به دلیل ناتوانی در مصرف کمتر از ۵۰ فیصد بودجه انکشافی سال ۱۳۹۰ مورد استیضاح قرار دهد که اینکار در داخل ولسی جرگه با اختلاف نظرها مواجه شد. تا آنکه ولسی جرگه بعد از ختم تعطیلات زمستانی بتاريخ ۴ تا ۸ اپریل موضوع را مجدد مطرح بحث قرار داد. نخست به دلیل اینکه وزرای داخله، دفاع، تحصیلات عالی و شهر سازی بعد از ۱۳۹۰ مقرر شده بودند، از استیضاح معاف شدند و از جمله وزرای باقیمانده نخست از وحیدالله شهرانی وزیر معادن و سید مخدوم رهین وزیر اطلاعات و فرهنگ استیضاح بعمل آمد که هر دو نتوانستند آرای لازم را بدست آورند. مجلس بوسیله طرفداران آنها به تشنج کشانیده شد و روز دیگر هردو نتوانستند با کسب آرای لازم در مقام خود ابقا شوند. این وضع بار دیگر ولسی جرگه را دچار برهم خوردگی کرد و عده ای از وکلا یکدیگر را متهم به اخذ رشوت از دو وزیر مذکور ساختند. رسانه ها نیز مطالب بسیار انتقادی در زمینه ابراز کردند و ولسی جرگه را بیک مرکز فساد و معامله گری متهم ساختند. روزنامه هشت صبح نوشت: «وقتی نظر نماینده پارلمان یک شبه در مورد وزیر تغییر میکند، هیچ جای سؤال باقی نمی ماند و هر کسی میتواند به این نتیجه برسد که معامله ای در کار بوده است... عملکرد دیروز پارلمان ثابت کرد که برای اکثر نمایندگان، نه منافع عمومی مهم است و نه قانون، آنچه برای آنان اصالت دارد، منافع شخصی است». نماینده دایکندی در ولسی جرگه (نورمحمد اکبری) به وجه دیگر موضوع اشاره کرد و گفت: «برخی از وزرا از تاجران کشور پول گرفته و آنرا در میان وکلا تقسیم می نمایند که این امر خود بیانگر این است که آنها در کابینه کرسی کار نکرده، بلکه نماینده های مافیای اقتصاد کشور هستند».

بهرحال از جمله وزرای باقیمانده تنها انورالحق احدی وزیر تجارت و صنایع، فاروق وردک وزیر معارف و ضرار احمد مقبل وزیر مبارزه با مواد مخدر رأی اعتماد گرفتند و اما عبدالهادی ارغندیوال وزیر اقتصاد و اسماعیل خان وزیر انرژی و آب نتوانستند رأی اعتماد بدست آورند. عده ای از وکلای ولسی جرگه با خشمی که ناشی از معامله گری در مورد ابقای دو وزیر قبلی (شهرانی و رهین) شامل حال شان شده بود، دو وزیر اخیر الذکر را که موفق به اخذ آرای لازم نشده بودند، نیز پس از جار و جنجال زیاد «احتجاجاً» به مقام شان ابقا کردند.

## ۳ - استیضاح وزیر مالیه :

در اواسط ماه اپریل مجتبی پنتگ وزیر داخله به شورای امنیت ملی از مداخلات غیرقانونی یک عده نمایندگان پارلمان شکایت کرد و گفت که وی در جریان چهار ماه اخیر ۳۱ بار به ولسی جرگه و ۱۴ بار به مشرانو جرگه احضار شده و در این مدت ۱۵۲۰۰ درخواست غیر قانونی از نمایندگان دریافت کرده است. انعکاس فوری این موضوع در رسانه ها موجب سرو صدا های زیاد در شورای ملی گردید و نمایندگان تقاضا کردند تا وزیر داخله به شورا حاضر و نام وکلای مذکور را افشا کند. وزیر داخله به این درخواست شورا تمکین نکرد و اما متعاقباً حضرت عمر زاخیلوال وزیر مالیه که از مدتی مطلقاً به فساد مالی بود و تحت فشار شورا قرار داشت، از طریق دفتر خود به رسانه اعلام نمود که یک تعداد وکلا برای اجرای امور

د پانو شمیره: له ۲ تر ۷

افغان جرمن آنالین په درننیت تاسو همکارۍ ته رابولۍ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلپکنۍ د لپکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

غیرقانونی به وزارت مالیه مراجعه میدارند و از رقم بیش از ۵۰۰ درخواستی آنها یادآور شد. اعلام این موضوع موجب تشدید جنجالهای موجود در شورا گردید و نمایندگان ولسی جرگه را یکی در برابر دیگر مظنون و ناراحت ساخت. ولسی جرگه از وزیر مالیه خواست تا جهت افشای نام وکلای مزاحم به شورا آمده و در مجلس استیضاحیه حاضر شود. به روز ۱۵ ماه می وزیر مالیه در حالی به ولسی جرگه آمد که وکلا در حالت هیجان جدی قرار داشتند. وزیر مالیه قبلاً گفته بود به تعداد بیش از ۳۰ نفر وکیل را معرفی خواهد کرد، ولی زاخلووال از شش وکیل با ذکر قضایای شان نام برد: هر یک ظاهر قدیر وکیل ننگرهار، نعیم لالی حمیدزی وکیل قندهار، سمیع الله صمیم وکیل فراه، محمدعارف رحمانی وکیل غزنی، عظیم محسنی وکیل بغلان و محمود سلیمانخیل وکیل پکتیکا که همه آنها از جمله کسانی بودند که در پای ورق استیضاح امضا کرده بودند. با اینکار وضع مجلس چنان به احساسات و تشنج گرائید که وزیر مالیه به مجرد ختم بیانیه مجلس را ترک کرد. رئیس ولسی جرگه نظر وکلا را در باره اظهارات زاخلووال جویا شد که در نتیجه از جمله ۱۸۸ وکیل حاضر فقط ۵ نفر رأی عدم قناعت و متباقی با بلند کردن کارت های سبز از وزیر مالیه حمایت کردند و او توانست در مقام خود باقی بماند.

باید گفت که رئیس ولسی جرگه در مورد نظر خواهی از وکلا بسیار عجله کرد، درحالیکه باید به شش وکیل متهم به فساد باید حق دفاع داده میشد و پس از آن موضوع به رأی گذاشته می شد. روز بعد مجلس فیصله کرد تا دفاعیه وکلای متهم را نیز بشنود و پنج وکیل حاضر در مجلس طالب ثبوت ادعا های وزیر مالیه مبنی بر اتهامات وارده علیه خود شدند و در عین زمان انگشت اعتراض بر فساد مالی وزیر مالیه گذاشتند و خواهان بررسی قضیه از طرف یک کمیسیون بیطرف و باصلاحیت گردیدند. کسانی که جریان هردو روز مجلس ولسی جرگه را مشاهده کرده اند، به یقین از این «افتضاح» که دامنگیر دولت ، بخصوص جدال روبه تزیاید بین قوای اجرائیه و مقننه گردیده است، متأثر و ناامید به آینده شده اند.

## چرا «استیضاح» به «افتضاح» می انجامد؟

جواب این سؤال را میتوان با اختصار در سه موضوع ذیل جستجو کرد:

### ۱ - مشکل در نحوه اجرای استیضاح:

این مشکل بیشتر از نارسائی مواد قانون اساسی در مورد استیضاح و چگونگی اجرای آن ناشی میشود، به این شرح که: ماده ۹۲ قانون اساسی، طوریکه قبلاً بیان شد، بر دو نکته مهم اشاره میکند: یکی «هرگاه توضیح ارائه شده قناعت بخش نباشد، ولسی جرگه موضوع رأی عدم اعتماد را بررسی میکند» و دیگر «رأی عدم اعتماد از وزیر باید صریح، مستقیم و براساس دلایل موجه باشد». در اینجا چگونگی «قناعت بخش بودن و توضیحات ارائه شده» مسئله جدی و قابل تأمل است که باید براساس معیار های آفاقی و مشخص استوار باشد، نه بر مبنای علایق و معیارهای شخصی و انفسی؛ به عبارت دیگر باید یک تعداد معیار های مشخص برای ارزیابی آفاقی کار یک وزیر وجود داشته باشد که اجراء آن وزیر بر مبنای آن بررسی گردد. فقدان این معیارها موضوع قضاوت را انفسی و بناً غیر عادلانه خواهد ساخت و این خطر را بوجود خواهد آورد که در هر لحظه روی حب و بغض های شخصی و یا کنار آمدن یک گروه باهم بر علیه حکومت و یا یک شخص اقدام غیر منصفانه صورت گیرد. در اینجا سؤال میشود که آیا فقط بلند کردن کارتهای سرخ و یا سبز را میتوان نشانه یک تصمیم منصفانه و آفاقی دانست که سر نوشت یک وزیر را که یقیناً یک شخصیت مهم کشور است، به بازی گرفت؟

نکته مهم دیگر همانا شفافیت رأی عدم اعتماد به وزیر است که بر طبق قانون باید «صریح، مستقیم و براساس دلایل موجه باشد». تاحال در هیچ یک از رویدادهای مربوط به استیضاح و بناً رأی عدم اعتماد در طول این چند سال به جز اعلام تعداد آرای موافق، مخالف و ممتنع و یا باطل دیده نشده که «دلایل موجه» سلب اعتماد ثبت اوراق شده باشد. در اینجا موضوع بسیار مهم ارائه دلایلی اند که باید بر شمرده شوند و ضمیمه فیصله سلب اعتماد درج اوراق رسمی گردند و به اطلاع همه رسانیده شود تا مردم از حقایق آگاهی یابند و نیز کسانی دیگر در همچو مقام ها متوجه اجراء خود گردند. هرگاه چنین نشود، از یکطرف قضایا در تاریکی قرار میگیرند و از طرف دیگر بساط معامله گریهای پنهان بین اعضای ولسی جرگه و اعضای کابینه هموار میشود و کار مملکت زیر پرده های سیاه سازش، فساد و ارتشاً فرو میرود.

د پانوی شمیره: له ۳ تر ۷

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلېکنې د لېکنيزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

مشکل دیگر همانا مسئله درک و تشخیص دلایل استیضاح است که متأسفانه یک عده وکلای محترم ولسی جرگه بدون توجه به مکلفیت های قانونی شان، عجلانه تحت تأثیر احساسات شخصی و یا گروهی قرار گرفته و رأی موافق یا مخالف را ابراز میدارند. همچنان بعید از امکان نیست که بعضی وکلای محترم فهم و دقت کافی ندارند تا به عمق و محتوای جوابهای ارائه شده توسط وزیر مربوطه پی برند و بناً گاهی به طرح سؤالی می پردازند که با اصل موضوع استیضاح ربط ندارند و با اینکار اذهان وکلا را بیش از پیش مغشوش می سازند و یا وزیر مربوطه از تاکتیک های در سخنان خود استفاده میدارد که وکلا را یکی در برابر دیگر تحریک میکند. متأسفانه دیده شده که بعضی وکلای محترم از حدود صلاحیت های قانونی یک وکیل پافراثر گذاشته و فکر میکنند که به حیث وکیل هرآنچه بخواهند، انجام داده میتوانند. اینجاست که استیضاح به یک «استهزا» و یک «افتضاح» تبدیل میشود.

هرگاه عملیه اجرای استیضاح را به دقت بررسی کنیم، واضح میشود که استیضاح در مرحله اول شامل احضار وزیر و سؤال و جواب از وی است و در مرحله دوم در صورت عدم قناعت به جوابها، موضوع رأی عدم اعتماد با اکثریت آراء مطرح میگردد. اینکار در مرحله اول عیناً شباهت به تحقیقات مقدماتی قضیه نسبتی یک متهم را به وسیله پولیس و بعداً خرنوالی دارد و در مرحله دوم ولسی جرگه نقش قاضی را به عهده میگیرد و در زمینه به اصدار حکم می پردازد. **در اینجا ولسی جرگه وظیفه سه اورگان یعنی «پولیس، خرنوال و قاضی» را در عین زمان انجام میدهد، آنهم به عجله تمام. این شیوه در هیچ جا قرین عدالت و انصاف نیست، مخصوصاً اینکه مشرانو جرگه به حیث رکن دیگر شورای ملی در همچو موضوع مهم فقط نقش تماشا بین را دارد.**

## ۲ - مشکل ناشی از جدال قدرت:

در جواب این سؤال که چرا بین قوای اجرائیه و مقننه بجای همکاری، تشنج و کشمکش رو به تزیاد است، باید به مسقط الرأس موضوع اشاره کرد که مربوط میشود به «تمرکز قدرت» مزید در یک دست و آنهم در دست رئیس جمهور کشور. هرگاه ماده ۶۴ قانون اساسی جدید را که دربرگیرنده صلاحیت ها و وظایف رئیس جمهور تحت ۲۱ فقره میباشد، با ماده نهم قانون اساسی ۱۳۴۴ (دوره شاهی) که حقوق و وظایف پادشاه را در ۱۷ فقره بیان میکند، مقایسه کنیم، به وضاحت معلوم میشود که صلاحیت ها و وظایف رئیس جمهور به مراتب بیشتر از پادشاه سابق است. درحالیکه در آن قانون اساسی وظیفه قوای اجرائیه به صدراعظم سپرده شده بود، در قانون اساسی جدید با موجودیت نظام ریاستی قوای اجرائیه کلاً زیر صلاحیت رئیس جمهور قرار دارد. اگر از بعضی محدودیت های شامل قانون اساسی جدید بگذریم که صلاحیت رئیس جمهور را محدود به مشوره و یا تصویب ولسی جرگه می سازد، در آنصورت قدرت رئیس جمهور معادل بیک «دیکتاتور مطلق العنان» میگردد. **اینجاست که «عطش قدرت»، رئیس جمهور را متوسل به استفاده از شیوه های میگرداند که برای تحت نفوذ قرار دادن قوای مقننه بطور مرنی و غیرمرنی بکار می برد. رئیس جمهور میکوشد تا در قوای مقننه از طریق جلب و جذب وکلا با وعده و وعیدهای گوناگون، با دادن امتیاز های فوق العاده، با دادن پول و مقام برای اقارب و دوستان شان و غیره امکانات عده ای از وکلا را در حیطة نفوذ و اراده خود قرار دهد و برای آنعده وکلای مخالف از انواع وسائل تعجیزی و فشار و حتی بدنام کردن آنها استفاده نماید. در این میان نفوذ در مشرانو جرگه با ترکیب وکلای منتخب از طرف رئیس جمهور کار بسیار دشوار نیست، لذا تمام بازی های «تمرکز قدرت» متوجه ولسی جرگه میباشد که در آن گروههای مخالف یعنی (اوپوزسیون) فعالیت اند.**

بعضی ها به این نظر اند که در «افتضاح» جاری در ولسی جرگه این نوع دسایس نیدخل میباشد. بيموجب خواهد بود که در اینجا از یک مصاحبه مهم رادیو آزادی با آقای داؤد سلطانزوی سابق وکیل غزنی در ولسی جرگه که دو روز قبل صورت گرفت، یاد آور شوم. در این مصاحبه موصوف به نقش حکومت در قضیه اشاره میکند و می گوید: «اگر رجوع کنیم به صحبت های حکومت، چند روز قبل از وزارت مالیه صدا برآمد که اسناد سی الی سی و چند نفر وکیل وجود دارد که در فساد دخیل هستند و این اسناد را افشا خواهیم کرد. اینکه از شش نفر را افشا میکنند، نشان دهنده آنست که آقای کرزی میخواهد از وزیران خود به شکل جداگانه استفاده بکند تا توجه مردم را بطرفی بکشاند که پارلمان چه کرد و حکومت چه میکند. (حکومت میخواهد) یک نوع قدرت نمائی بکند که ما در مورد فساد جدی هستیم، درحالیکه در عین حکومت که آنها میخواهند چهره های بعضی از وکلای پارلمان را برملا سازند، در عین حکومت همین حالا بدون توجه ما و رسانه ها و

د پانو شمیره: له ۴ تر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

پارلمان کوشش دارند تا معدنیات افغانستان را غارت کنند و توجه را بطرف موضوعات بسیار جدی تر میخواهند بکشانند تا موضوعات بزرگتر را از چشم مردم بپوشانند. همین لحظه اسناد و مدارک موجود است که معادن افغانستان یکی پی دیگر غارت شده میروند و وزارت معادن در سطح بالا در این غارت دست دارد. چرا این موضوع نمی برآید و یا دیگر موضوعات و اشخاصیکه در آن دخیل هستند، چرا آنها به پنجه قانون سپرده نمی شوند؟».

آقای سلطانزوی می افزاید: «من فکر میکنم که متود حکومتداری آقای کرزی ترتیبی بوده که همیشه مردم را در موضوعات مختلف مصروف نگهداشته مثلاً چند روز پیش موضوع «گوشته» بلند شد، هله مردم را بخیزان که مظاهره کنند. درست است که ما مردم احساسات وطن ما برای کل ما عزیز است و مگر نگاهی وطن توسط رئیس جمهور با تحریک مردم به کوچه ها صورت نمی گیرد و به همین شکل میتوانم ده ها مثال دیگر را در این دوازده سال به شما عرض کنم که زمامداری کرزی یک حکومتداری بوده که در آن ریا و فریبکاری بسیار زیاد بوده و مردم را همیشه اغوا کردند و مردم را همیشه فریب داده اند».

آقای سلطانزوی در برابرین سؤال که چرا رئیس جمهور کرزی به اینطور کارها متوسل میشود، چنین جواب میدهد: «چندین علت وجود دارد. یک علت اینست که آقای کرزی یقیناً می ترسد که مبادا پارلمان در مورد همین واقعه اخیر که ارتباط دارد به گرفتن پول از سی آی ای اقدامات جدی کند و پارلمان را به این شکل مرعوب می سازد و به ترس نگاه میدارد. مورد دیگرش اینست که فساد های بسیار گسترده دیگر که به غارت منابع طبیعی افغانستان و بیت المال افغانستان می انجامد، از چشم ها پوشیده باشد. پارلمان را در اینطور یک حالت قرار میدهد و به مردم افغانستان نشان میدهد که این پارلمان آلوده است و ما اینک اقدام میکنیم. قضیه دیگری که مهم است که آقای کرزی میخواهد در این وقت از یکطرف موضوع سرحدات را به راه انداخته این هم یک بوی استخباراتی میدهد و از طرف دیگر که پارلمان را زیر فشار می آورد و آهسته آهسته این حلقه را تنگ ساخته میروند تا یک حالت اضطرار اعلان شود و انتخابات به تعویق بیفتد، این هم یک احتمال دارد. موضوع چهارم اینست که آقای کرزی در این گریو دارها برای آمادگی انتخابات پروگرامهای رویدست دارد که این پروگرامها را برای بدست آوردن یک شخص مطلوب خود و یا برای تعویق انتخابات اگر نشد، برای شخص مطلوب خود پروگرامهای را بسازد که وزارت مالیه افغانستان آقای زاخیلوال یا دیگر وزارتها را مؤظف ساخته تا در این مورد با آنها مصروف باشند».

### ۳ - معضله فساد اداری و سوء استفاده ها:

این یک بحث وسیع است که دامنه آن سر تا پای کشور را فرا گرفته و پارلمان نیز جز آنست. جای تردید نیست که در داخل پارلمان اشخاص و قدرتهای سود جو و مافیائی خانه کرده اند. آنها برای همین مقصد به پارلمان خود را جاگزین کرده اند تا برای فعالیت های شخصی و مافیائی خود از مصونیت پارلمانی استفاده نمایند و به معامله گریها بپردازند. یک عده وکلای پارلمان اساساً به امور محوله رسمی پایبند نیستند و در مجالس کمتر اشتراک میدارند و بیشتر وقت خود را در اینجا و آنجا در پی منافع شخصی و اعمال نفوذ برای همچو مقاصد می گذرانند. اینجاست که «چو کفر از کعبه برخیزد، کجا ماند مسلمانی». مرجع تقنین که خود مصروف نقض قانون باشد و مرجع نظارت بر اعمال حکومت که خود در فساد حکومت شریک گردد، وضع ناهنجار و روبه سقوط ارزش ها را درکشوریان میکند و آن نشانه ای بارز مصیبت جاری در کشور میباشد.

دلچسپ است که امروز گزارشی در قصر سفید منتشر شد که سرمایه بارک اوباما رئیس جمهور آن کشور بین ۲ تا ۷ میلیون دالر تخمین میشود، در حالیکه سرمایه حاجی قدیر وکیل ولسی جرگه افغانستان بالغ بر ۳۰۰ میلیون دالر است. در گزارش آمده است: «تعجب آورست که سرمایه دولتمردان کشوری که اتباع آن از دست جوع و گرسنگی ریشه درخت میخورند و مردمش از بیچارگی توان راندن بایسکل را ندارند، از رئیس جمهور امریکا به مراتب بیشتر سرمایه دارند. اینکه این افراد چگونه نسبت به رئیس جمهور امریکا سرمایه دارتر شده اند، سوالیست که باید زمامداران قصر سفید به آن پاسخ دهند». این گفته به یقین شامل حال یک عده زیاد «تازه به دوران رسیدگان» افغانستان، به شمول برادران کرزی میگردد که باید قصر سفید به آن جواب بگویند.

د پانوی شمیره: له ۵ تر ۷

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
پاډونه: دلپکنی د لپکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

## چگونه میتوان از این افتضاح جلوگیری کرد؟

چاره جوئی عمومی بحث بسیار وسیع است، ولی گفته میتوانم که هیچ کاری بدون چاره نیست. اقدامات در مورد اینکه نباید «استیضاح» به «افتضاح» کشانیده شود، موضوع بحث اصلی این نوشته است. لذا برای این منظور دو راه وجود دارد: یکی در چهارچوب تعدیل قانون اساسی که توأم با آن «تمرکز قدرت در دست یک شخص» یعنی رئیس جمهور به نحوی محدود گردد تا بدانوسیله رئیس جمهور برای نیل به آن مقصد به بازیهای نوع «موش و پشک» متوسل نشود و بگذارد پارلمان به وظایف خود رسیدگی کند. ( این بحث را در یک مقاله دیگر به تفصیل مطرح خواهم کرد)

دیگر راه حل عاجل که در چهارچوب شرایط موجود گمان نمیرود رئیس جمهور کرسی در موعد باقیمانده کارش این شهادت و این نیت را داشته باشد که در امور تحول مثبت را ایجاد کند. لذا امید است مردم در انتخابات آینده به شخصی رأی دهند که مسیر قدرت طلبی را رها کرده و با انصراف از «مصلحت جوئی ها» خود را وقف حل معضلات اساسی کشور نماید. همچنان اعضای پارلمان در ساحة خود باید از همین حالا متوجه رویداد های شوند که مسائل را از دریچه تفاهم و وظیفه شناسی بررسی کنند. در غیر آن با همین دسایس و همین دست های ناپاک که از داخل و خارج پارلمان دراز شده است، زمینه های بدنامی خود و در مجموع قوای مقتنه را فراهم می سازند.

بهرحال اینکه عملیه استیضاح و اجرای آن باید چگونه باشد تا عدالت را برقرار سازد و از انواع معامله گریها تاحدی جلوگیری کند، مثال اضلاع متحده امریکا را می آورم که مثل افغانستان دارای یک نظام ریاستی است.

قانون اساسی امریکا (ماده دوم - فقره ۴) تحت عنوان امپيچمنت (Impeachment) که میتوان آنرا به معنی واقعی و عملی کلمه «استیضاح» ترجمه کرد، طرز العملی دارد با این شرح: در قانون اساسی امریکا استیضاح (امپيچمنت) یک صلاحیت قانونی است که به قوای مقتنه آن کشور (مجلس نمایندگان و مجلس سنا) اجازه میدهد تا اتهامات رسمی علیه مأمورین ملکی حکومت را در رابطه با اجراءات شان در وظایف محوله وارد نماید و طرز اجرای آن به شکل اقامه دعوا در محاکم عادی در حضور قاضی و هیئت منصفه (ژوری) صورت میگیرد. بطور عموم مجلس نمایندگان از مأمور مربوطه استیضاح (یعنی طلب توضیح) میکند، ولی مجلس سنا در زمینه اتخاذ تصمیم مینماید.

طرز العمل استیضاح «امپيچمنت» در مجلس نمایندگان به این ترتیب است: عملیه استیضاح به اساس درخواست یک عضو مجلس، یا ارائه یک لست اتهامات (تحت سوگند)، یا یک مصوبه کمیسیون مربوطه، یا یک اداره قضائی یا نظریه یک خائنوال اختصاصی با تذکر زمینه ها و دلایل استیضاح به مجلس نمایندگان غرض غور پیش میگردد. مجلس نمایندگان موضوع را به یک کمیسیون داخلی - معمولاً کمیسیون قضائی رویت میدهد. کمیسیون مذکور پس از غور لازم با اکثریت آراء تصمیم میگیرد که آیا زمینه های لازم برای استیضاح وجود دارد یا نه؟ هرگاه کمیسیون موضوع را قابل استیضاح بداند، در آنصورت هریک اتهامات وارده را جداگانه درج «مواد قابل استیضاح» می نماید. مصوبه استیضاح بعد از تائید اکثریت آراء کمیسیون به مجلس عمومی گسیل میشود. مجلس عمومی میتواند بطور کل و یا در هریک از اجزای مصوبه یعنی هریک اتهامات وارده بطور جداگانه بحث نماید. یک اکثریت ساده اعضای حاضر برای تائید مصوبه ضرورت است تا استیضاح به تصویب برسد. هرگاه مصوبه تائید شود، مجلس هیتتی را تعیین میکند تا مصوبه را جهت اقدامات بعدی به مجلس سنا ببرد و آنرا رسماً به سنا تسلیم داده و جریان را تشریح کند.

با اینکار وظیفه مجلس نمایندگان به پایان میرسد. قدم بعدی در سنا گذاشته میشود یعنی موضوع به حیث یک دعوی حقوقی در آنجا مطرح میگردد که هر دو طرف یعنی متهم و سنا میتوانند طلب شهود نمایند و یا پرسش و تحقیقات متقابل را انجام دهند. اعضای سنا هریک میتوانند به حیث یک خائنوال (مدعی العموم) عمل کند و از شخص متهم سؤال نماید که هریک باید صادقانه و تحت سوگند این وظیفه را انجام دهد. مجلس استماعیه و مباحثه ایجاب یک اکثریت ساده اعضای حاضر سنا را میکند. بعد از ختم جلسه یا جلسات استماعیه، سنا با اعضای خود به مذاکره می پردازد. تثبیت جرم با اکثریت دو بر سه حصه آراء صورت میگیرد. سنا میتواند تنها با برکنار کردن مأمور از وظیفه تصمیم بگیرد یا حق ادامه مأموریت او را در سائر وظایف و یا هردو سلب نماید که در آنصورت مأمور مجرم فوراً از وظیفه برکنار میگردد. هرگاه جرم ایجاب بررسی محاکم جنائی را کند، موضوع به محکمه جنائی رویت داده میشود. رئیس جمهور در این حالت نباید از حق خود مبنی بر عفو و یا

د پانو شمیره: له ۶ تر ۷

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

تخفيف مجازات مثل مجرمين عادى استفاده نمايد. بايد علاوه كرد كه از شروع سالهاى ۱۹۸۰ در سنای امريكا كميته خاص برای استيضاح تشكيل گريده كه جريان شهادت شاهدان و سؤال و جوابهاى متقابل را دقيقاً بررسى ميكند و راپور خود را متعاقباً در اختيار سنا قرار ميدهد. هريك از سناتورها به اين راپور و معلومات دسترسى دارد و ميتواند آنرا به دقت مطالعه و به تأسى از آن در زمينه برأت و يا مجرميت متهم رأى دهد. همچنان معمول است كه قبل از اين اجراء بعضى از نمايندگان ميتوانند با رئيس جمهور امريكا بطور خصوصى موضوع را مطرح و درصورت لزوم از وى تقاضا نمايند كه مأمور متهم را به نحوى مجبور به استعفاى اختيارى سازد تا از جار و جنجالهاى سياسى قضيه قبلاً جلوگیری بعمل آيد.

### مختصر کلام اینكه:

بايد خاطر نشان ساخت كه قانون اساسى افغانستان از جهات مختلف دارای خلاهاى جدی است، هرگاه موقع تعديل قانون اساسى در افغانستان فرا رسد، بهتر است عمليه استيضاح وزراى کشور را مثل ايالات متحده داخل ضوابطى سازند كه بتواند عدالت و انصاف را به وجه بهتر تأمین كند و زمينه بهره بردارياى شخصى و گروهى را محدود و تاحدى منقطع نمايند. اما تا آنوقت لازم است ولسى جرگه از طريق تشكيل يك كمسيون اختصاصى با اشتراك وكلاى بانصاف، آفاقى و صادق و با تهيه دستور العمل خاص در مورد چگونگى اجراء استيضاح فوراً اقدام كند و نگذارد كه ولسى جرگه بدینوسيله بیشتر بدنام و مورد ضربتهاى تاكتيكى قواى اجرائيه قرار گیرد. والله اعلم بالصواب

پایان

---

د پانو شميره: له ۷ تر ۷

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بنې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ